

تدبیر معیشت در کتاب و سنت

اهلیت، مبانی، اسباب و آسیب‌ها

محمد حسین شیخ شاعی

سرشناسه: شیخ شماعی، محمدحسین، ۱۳۶۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: تدبیر معیشت در کتاب و سنت: اهمیت، مبانی، اسباب و آسیب‌ها/ محمدحسین شیخ شماعی.
 مشخصات نشر: تهران: پدیدار جهان، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۲۱۱ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۰۰-۰-۱
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 یادداشت: کتابنامه.

موضوع: رزق و روزی

موضوع: Divine sustenance (Islam)

موضوع: رزق و روزی --- جنبه‌های قرآنی

موضوع: Divine sustenance (Islam) --- Qur'anic teaching

موضوع: رزق و روزی --- احادیث

موضوع: Divine sustenance (Islam) --- Hadiths

رده بندی کنگره: ۴۱۳۶۷/۲/ش/۹

رده بندی دیویی: ۳۹۷/۴۲

شماره کتابخانه ملی: ۴۴۷۳۸۵۶



نشریات پدیدار جهان

تدبیر معیشت در کتاب و سنت

نویسنده: محمدحسین شیخ شماعی

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۹۰۰-۰-۱

مرکز پخش: ۰۴ ۴۱۲۰۱۰۴ ۰۹۳۶

فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه.....
۱۳.....	چرا نگاه تدبیر معیشت در تحقیقات گذشتگان.....
۱۶.....	چرا نگاه این بحث در دوران جدید.....
۲۰.....	درباره این کتاب.....
	بخش اول: مفهوم شناسی و اهمیت / ۲۳
۲۵.....	فصل اول: مفهوم.....
۲۵.....	الف: مفهوم تدبیر.....
۲۶.....	تقدیر.....
۲۸.....	رابطه‌ی تدبیر با حیل، سیاست و اقتصاد.....
۲۹.....	ب: مفهوم معیشت.....
۳۱.....	رزق.....
۳۲.....	برکت.....
۳۴.....	ج: مفهوم تدبیر معیشت.....
۳۷.....	فصل دوم: اهمیت.....
۳۷.....	الف: اهمیت تدبیر.....
۴۴.....	ب: اهمیت معیشت.....
۶۳.....	ج: اهمیت تدبیر معیشت.....
۶۳.....	۱. نشانه شناسی.....

۶۸	۲. پیام‌شناسی
۷۵	فصل سوم: مرزهای تدبیر معیشت
۷۶	الف: رابطه تدبیر معیشت و زهد
۸۰	ب: رابطه تدبیر معیشت و توکل
۸۴	چکیده

بخش دوم: مبانی/ ۸۷

۹۱	فصل اول: خدای متعال
۹۱	۱. تدبیر و تدبیر الهی
۹۳	۲. قدرت و حاکمیت الهی
۹۵	۳. رازقیت خدای متعال
۹۸	۴. اختلاف رزق مخلوقات
۱۰۰	۵. تقدیر الهی رزق بر اساس مصالح دنیوی و اخروی افراد
۱۰۵	۶. نظام واسطه‌ها و اسباب
۱۰۷	۷. لطف و نصرت الهی
۱۱۱	۸. رزق از مسیر غیر منتظره
۱۱۳	فصل دوم: انسان
۱۱۳	۱. صفات انسان و لزوم اعتدال
۱۱۵	۲. احساس غنای درونی و چشم بستن بردارایی دیگران
۱۱۹	۳. قدرت انتخاب و تعیین سرنوشت
۱۲۱	۴. انسان و سختی
۱۲۲	۵. جایگاه انسانی و ایمانی

۱۲۴.....	۶. محدودیت انسان نامحدود.....
۱۲۶.....	۷. اختلاف و گوناگونی انسان ها.....
۱۲۷.....	۸. انسان موجود اجتماعی.....
۱۲۹.....	فصل سوم: جهان.....
۱۲۹.....	۱. دنیا و آخرت.....
۱۳۲.....	۲. دنیا، ربلا و امتحان.....
۱۳۵.....	۳. همراهی و ویر.....
۱۳۷.....	۴. بازگشت نتیجه اعمال.....
۱۳۹.....	۵. خیر و شر.....
۱۴۱.....	چکیده.....

بخش سوم: اسباب / ۱۴۳

۱۴۷.....	فصل اول: اسباب مادی.....
۱۴۷.....	۱- درآمد.....
۱۴۷.....	الف- شغل و محل درآمد.....
۱۵۲.....	ب- دانش و مهارت.....
۱۵۴.....	ج- اتقان و محکم کاری.....
۱۵۹.....	د- لحاظ شخصیت افراد.....
۱۶۱.....	هـ- احسان و تکریم.....
۱۶۳.....	و- عدم سخت گیری بیمورد.....
۱۶۵.....	ز- حزم و تلاش.....
۱۶۸.....	۲- مصرف.....

۱۷۰.....	۱-۲- مدیریت نیاز.....
۱۷۳.....	۲-۲- خرید مناسب.....
۱۷۷.....	۳-۲- میانه روی و اقتصاد.....
۱۸۲.....	۴-۲- رفق.....
۱۸۴.....	۵-۲- مدیریت دارایی ها.....
۱۸۷.....	۶-۱- آینده نگری و پس انداز.....
۱۹۱.....	فصل دوم: اسباب معنوی.....
۱۹۲.....	۱- اسباب معنوی شخصی.....
۱۹۳.....	۱-۱- قلب.....
۱۹۶.....	۱-۱-۲- استغفار، توبه.....
۱۹۸.....	۱-۱-۳- توکل.....
۲۰۳.....	۱-۱-۴- حسن ظن به خدای متعال.....
۲۰۵.....	۱-۱-۵- رضایت.....
۲۰۷.....	۱-۱-۶- قناعت.....
۲۱۰.....	۱-۱-۷- شکر.....
۲۱۴.....	۱-۱-۸- حسن نیت.....
۲۱۸.....	۱- رفتارهای.....
۲۱۸.....	۱-۲- رفتارهای دینی.....
۲۲۹.....	۱-۲-۲- آداب مصرف رزق.....
۲۳۷.....	۱-۲-۳- بهداشت و زیبایی.....
۲۴۵.....	۱-۲-۴- سایر رفتارهای روزمره.....

۲۵۰.....	۲- اسباب معنوی اجتماعی
۲۵۱.....	۲-۱- جامعه مومنین
۲۵۳.....	۲-۲- خویشاوندان
۲۵۵.....	۲-۳- خانواده
۲۵۶.....	۲-۴- نیازمندان
۲۶۰.....	۲-۵- موم مردم
۲۶۱.....	جمع بندی؛ چند نکته
۲۶۲.....	چکیده

بخش چهارم: آفات/ ۲۶۵

۲۶۹.....	فصل اول: آفات دینی
۲۶۹.....	۱- کفر و کوتاهی در برابر حقیقت
۲۷۱.....	۲- کوتاهی نسبت به شریعت
۲۷۵.....	۳- کوتاهی در عبادت
۲۷۷.....	فصل دوم: آفات شخصی
۲۷۷.....	۱- سخت گیری در مصرف و محروم ساختن خویش از نعمات
۲۷۸.....	۲- گریزاز مسئولیت خانواده
۲۸۰.....	۳- همّ و غمّ زیاد و فشارهای جسمی و روحی
۲۸۲.....	۴- پذیرش ذلت
۲۸۳.....	فصل سوم: آفات اجتماعی
۲۸۳.....	۱- بدعهدی و خیانت
۲۸۶.....	۲- بی اعتنایی به معاش و حقوق دیگران

۲۹۰.....	۳- بدبینی و سخت گیری
۲۹۲.....	۴- سوءاستفاده از شرایط
۲۹۵.....	۵- قطع یا کاهش روابط اجتماعی
۲۹۹.....	فصل چهارم: آفات مالی
۲۹۹.....	۱- زراندوی و بخل
۳۰۱.....	۲- حرص و افزون طلبی
۳۰۴.....	پنجیده
۳۰۷.....	کتاب نامه

اقتصاد یکی از مهم ترین شئون زندگی است. هر کدام از ما منابعی در اختیار داریم که باید از آنها برای ستارجش استفاده کنیم. تنظیم و مدیریت این رابطه به نحوی که در رفع نیاز ما مان در برار مشکل نشویم، به مهارت و آگاهی هایی نیاز دارد که باید در طول زندگی خود، ما را به دست آوریم و تقویت کنیم.

از طرف دیگر در هر فرهنگ و جهان بینی متناسب با مبانی و ارزش های خود، قواعد و دستورالعمل هایی برای شئون مختلف زندگی و از جمله امور اقتصادی او وجود دارد و افراد خواسته یا ناخواسته به آن می کنند براساس احکام این فرهنگ زندگی و معاش خود را سامان دهند. بهر شک فرهنگ غنی اسلام نیز در تعالیم خود علاوه بر اصول کلی که بر همه جوانب حیات، عمل می افکند، رهنمودهایی به خصوص در این باره دارد همچنان که که بر اهمیت آن نیز تأکید ورزیده است.^۱ از آنجا که اصول مستخرج از آیات و روایات و دستورالعمل ها و فرمایشات معصومین علیهم السلام زمان و مکان نمی شناسد و برای همه انسان های تاریخ

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ، خَفِيفُ الْمَوْثِقَةِ، جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ».

بهترین نسخه‌ی زندگی است، جا دارد خطوط کلی حاکم بر امور اقتصادی و به اصطلاح روایات «تدبیر معیشت» بررسی و بازخوانی شود.

جامعه اسلامی برای پیشرفت خود نیازمند سامان دهی امور خود در همه سطوح و ابعاد است و تدبیر معیشت اگر نگوییم مهم ترین قطعا یکی از مهم ترین و اساسی ترین مسائل در این رابطه است که از یک سو با فرد فرد جامعه و سپس خانواده سروکار دارد و از سوی دیگر به مسأله بسیار مهم اقتصاد و مدیریت امر معاش. این مسأله خصوصا در برهه کنونی که در مواجهه تمدنی با غرب قرار داریم اهمیت بی‌پایانی می‌یابد چرا که هم در عرصه جهاد اقتصادی و موفقیت اقتصاد مقاومتی، هم گرگی تدبیر معیشت حتی در جزیی ترین و پایین ترین سطوح تعیین کننده است و هم در عرصه فرهنگی تدبیر معیشت با سبک زندگی افراد پیوند می‌خورد.

به عبارت دیگر هم برای اصلاح اقتصادی زندگی افراد و جامعه نیازمند بحث درباره تدبیر معیشت هستیم و هم برای تقویت جنبه‌های ارزشمند فرهنگی بایستی در ارائه مدل‌های تدبیر معیشت فعالانه عمل کرد. چرا که اگر ضرورت مدیریت اقتصادی در زندگی برای افراد روشن نشود و به آن ندهند، در معرض نابسامانی اقتصادی فرد و جامعه و نهایتا مشکلات عدیده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اعتقادی خواهیم بود.

و البته اگر این ضرورت حس شود و افراد درصدد اتخاذ تدبیر در معیشت خود برآیند اما دستورالعمل‌های اسلامی لازم در برابر او قرار داده نشود یا این تعالیم به صورتی نادرست ارائه شود، چاره‌ای برای افراد حتی با وجود تعلقات دینی باقی نمی‌ماند جز اینکه به توصیه‌ها و مشاوره‌های وارداتی متوسل شود. خصوصا در

وضعیتی که رقیب فرهنگی ما، دست پری در این زمینه دارد و اگرچه ریشه‌ی تعالیمش بدون قرار است شاخ و برگش بسیار گسترده است.^۱ روشن است که نگاه تمدن مادی گرا به تدبیر معیشت چگونه است و نفوذ آن در جامعه اسلامی چه مخاطراتی را به دنبال خواهد داشت. در کنار این خلأ بزرگ، برخی سوء برداشته‌ها که عمدتاً ناشی از نگاه‌های غیر تخصصی و عدم غور کافی در منابع دینی است، ضرورت تحقیق و ژرف نگری در این زمینه را برجسته ترمی سازد. متأسفانه رجه بصوات ناقص از تعالیم دینی چه در نگرش‌های سکولار به دین و چه در منش زنی‌مایان دینی، باعث شده است تا حد زیادی حتی انگیزه لازم برای جست‌وجو، تبیین و یافتن راه حل‌های ناب اسلامی برای مشکلات معیشتی پدید نیاید و چنین سعی‌ای از قبل بی‌نتیجه پنداشته شود. لذا استخراج، تدوین و تشریح جوانب تدبیر معیشت از میان تعالیم اسلام می‌تواند به خودی خود، در زدودن این سوء تفاهم نیز نقش ایفا کند.

جایگاه تدبیر معیشت در تحقیقات گذشتگان

مفهوم تدبیر معیشت برای عالمان اسلامی از آغاز واره‌ای شناخته شده است و در هر عصر متناسب با گستره‌ای که برای این مفهوم متصور شده‌اند، به آن پرداخته‌اند. در حقیقت، پس از معصومین علیهم‌السلام که خود بیان‌کننده احکام و حقایق دین بوده‌اند، اولین حرکت را در بررسی اهمیت و ابعاد تدبیر معیشت از

۱. «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ». سوره ابراهیم: ۱۴.

دیدگاه دین، مفسران قرآن و گردآورندگان احادیث شکل داده اند. مفسران قرآن در بررسی آیات مربوط به معاش انسان خصوصا در رابطه‌ی با رزق زوایای آن را واکاوی کرده‌اند و سعی نموده‌اند سوالات و مشکلات مطرح یا محتمل را از زاویه‌ی دین مبین اسلام پاسخ گویند.

گردآورندگان روایات و مولفین مجامع روایی نیز در تبویب کتب و دسته بندی موضوعی روایات معمولا به ابعاد تدبیر معیشت نظر داشته‌اند. از جمله کاسیمی (متوفای ۳۲۰ هجری قمری) در «کافی»، شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱) در «من لایحضره الفقیه»، «خصال»، شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰) در «تهذیب» و شیخ حر عاملی (متوفای ۱۰۱۲) در «وسائل الشیعه». پیش از تدوین مجامع حدیثی مزبور نیز برخی از گردآورندگان روایات مانند احمد بن خالد و محمد بن یعقوب بن اسحاق، آثاری با عنوان «کتاب المعیشت» نوشته‌اند، اما اطلاعی از محتوا و کم و کیف نوشته‌های آنان در دست نیست. البته در هیچ یک از آثار روایی، تدبیر معیشت به عنوان یک باب مستقل مطرح نیست. اما آنچه از روایات که به این عنوان مربوط می‌شود در ابواب مختلف پراکنده شده است، در ابوابی مثل: معیشت، تجارت، اطعمه و اشربه.

علاوه بر این‌ها، شارحان حدیث نیز در تبیین موضع اسلام در تدبیر معیشت نقش داشته‌اند. ایشان بر اساس همان ساختار متون حدیثی، به بیان دیدگاه خود در این زمینه پرداخته‌اند.

در کنار کتب تفسیری و روایی، نوشته‌های حکما و دانشمندان اسلامی نیز خالی از اشاره‌هایی به این بحث نیست. نزد فلاسفه تدبیر منزل یکی از علوم سه‌گانه حکمت عملی است. آن‌ها حکمت نظری را شامل حکمت ریاضی،

حکمت طبیعی و حکمت الهی می‌دانند و حکمت عملی را شامل، اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن.

اما نخستین رساله مستقلی که در عالم اسلام به موضوع تدبیر منزل اختصاص یافت «رسالة السياسة» ابن سینا است. این نوشته شامل پنج باب است که عنوان باب دوم آن چنین است: در دخل و خرج، درباره اصناف مردم در معیشت، انواع صناعات اهل مروت (ذوی المروءة) و درباره زکات، صدقات و نفقات.^۱ حکمای اسلامی تدبیر منزل را توانایی و تمکنی می‌دانستند برای کسب سلامت.^۲ این بسیار نزدیک به مفهوم تدبیر معیشت است. البته تدبیر منزل بنا بر آنچه که - کما - نظر دارند چیزی بیش از قواعد رزق و مدیریت اقتصادی زندگی است و از آن طرف تدبیر معیشت نیز چنان که از گفتار محدثین برمی آید تنها به مسائل رزق و تنظیم اقتصاد مربوط است. اما حتی اگر نخواهیم در معنای معیشت توسعه‌ای قائل شویم، یقیناً بخشی مهمی از تدبیر منزل همان تدبیر معیشت است و تدبیر موفق معیشت جز با تدبیر شامل منزل (در همه ابعاد) ممکن نیست. نکته دیگر در نوشته‌های بزرگانی چون ابن سینا و خواجه نصیر طوسی درباره تدبیر منزل و تدبیر معیشت این است که مبنای آن احکامات و روایات مربوطه نیست یا حداقل برداشت و اقتباس آنها از این متون برای تدبیر اصول تدبیر آشکار نیست و «در برخی آثار فلسفی عهد اسلامی، مباحث تدبیر منزل با

۱. «دائرة المعارف بزرگ اسلامی»، ج ۱۴، ص ۶۹۲

۲. «دانشنامه جهان اسلام»، ج ۶، ۷۳۹

آموزه‌های یونانی و ایرانی در آمیخته است.^۱

علاوه بر این برخی جوانب تدبیر معیشت که بیشتر جنبه اخلاقی داشته است در کتب اخلاقی بیان می‌شده. ورام بن ابی فراس در «مجموعه ورام»، مولی محسن کاشانی در «محجۃ البیضاء»، مولی مهدی نراقی در «جامع السعادات» و مولی احمد نراقی در «معراج السعاده» ضمن اشاره به صفات حسنه و ردیله اخلاقی مرتبط با مال و دنیا به بررسی مدح و ذم دنیا و وجه جمع آن پرداخته اند. در مجموعه درباره برنامه اقتصادی و سبک زندگی مالی و کسب و کار چنین به نظر می‌رسد که حداقل در عصر این بزرگان، همان مقدار که در فقه و تحت عنوان احکام شرعی آمده است کافی می‌نموده و نیازی به عنوان کردن مسائل مربوط به امور اقتصادی در عناوین جداگانه نبوده است. البته در برخی تألیفات اخلاقی، آداب کسب و کار در نظر بوده است مانند آنچه طبرسی در «الآداب الدینیة للخرانة المعینیة» با عنوان «آداب التجارة» و «یتعلق بها» آورده است اما مستقیماً به تدبیر معیشت ارتباط ندارد.

جایگاه این بحث در دوران جدید

در دوران جدید و با توسعه و تنوع و پیچیدگی‌های جدید آمده در مسائل اقتصادی و همزمان با تحقیقات در مبانی و فلسفه اقتصاد اسرمی و مسائل فقهی و حقوقی مربوط به آن، تلاش‌هایی برای اصلاح فرهنگ اقتصادی مسلمانان صورت گرفته است و کتب و مقالات علمی متعددی درباره برخی جوانب تدبیر

۱. «دائرة المعارف بزرگ اسلامی»، ج ۱۴، ص ۶۹۱

معیشت مثل تجارت، مصرف، سرمایه گذاری، و نیز برخی جوانب اخلاقی آن مثل پرهیز از اسراف، میانه روی، انفاق و قناعت نوشته شده است که بسیاری از آن‌ها در جای خود در خور اعتنا است... اما اهمیت موضوع، و فاصله بسیار فرهنگ عمومی از تعالیم ناب اسلامی در این زمینه، تلاشی گسترده تر می طلبد.

از ساری دیگر اهمیت بالایی مباحث مربوط به تدبیر معیشت اقتضا دارد هم‌چنان‌که در سنت آموزشی گذشته ما جزیی از فلسفه محسوب می شده، در آموزش‌های ضروری منع مختلف تحصیلی جایگاه خود را بیابد و در متون و برنامه‌های مراکز آموزش عالی، پخته شده تا هم تعالیم و مهارت‌های مربوط به آن در افراد نهادینه شود و هم به این گونه، به تدریج بر غنا و عمق علمی این بحث افزوده شود.

درباره این دست بررسی‌های اسلام، که این نوشتار، روزه‌ای به آن است، از این نکات غافل نباید بود:

اولاً: سبک زندگی انسان امروز و ناممکن بودن برخی توصیه‌ها در شرایط فعلی، ممکن است مطرح ساختن برخی موارد را به صورتی که در متون دینی آمده، غیر منطقی جلوه دهد. برخی از آنها اساساً از محل اسلام بر می‌آیند و برخی باعث اختلال در نظم معمول زندگی می‌شود. تعمیم برخی موارد مناسبه‌ها یا معادل‌های امروزی (مثلاً معادل سازی مرکب و ماشین) نیز با تسامح انجام می‌شود و معمولاً خالی از دقت‌های فقهاتی و اجتهادی لازم است. به همین ترتیب باید به وجود تناقضات ظاهری اشاره کرد که کلیت آن بدون توضیح کافی باعث سردرگمی افراد می‌شود؛ به عنوان مثال مقسوم بودن رزق با تلاش برای به دست آوردن آن یا توکل و تدبیر یا قناعت و حرص یا تنبلی و هم زیاد. تأکید بر

هر دو طرف قضیه، به تنهایی کافی نیست و باید رابطه آنها و فلسفه هر کدام، در اجتهادی کامل، تبیین یابند.

جهت دیگری از این نقصان رویکرد اجتهادی، در این است که، احادیث اخلاقی، معمولا کمتر مورد بررسی و دقت حدیثی قرار گرفته اند و اغلب پژوهش ها در پرداختن به موضوعات اخلاقی، هم درباره سند و هم ترجمه و دلالت آن ها، با سهولت چندانی نداشته اند. در حالی که به نظر می رسد خصوصا وقتی با موضوعاتی چون تدبیر معیشت که با زندگی ملموس روزمره انسان سروکار دارد، لازم است از این دست واکاوی ها بیشتر بهره برد. به عنوان مثال جمله مشهور «الفقر فخری» که بارها به ضعف سندی آن، می تواند کنار گذاشته شود و از توجیه آن فراغت جست. البته معنا نیز در کیان احادیث با تعبیری مواجه می شویم که معنای دقیق آن، پنهان روشن نیست و عملا از امکان انتفاع خارجند.

بنابراین، اعمال دقت های فقهاتی در مورد سند و دلالت احادیث بسیاری از مشکلات موجود در میان روایات اخلاقی مثل تعدد روایات، را از بین می برد. با جدا شدن احادیث معتبر و درجه بندی اعتبار سند احادیث راه برای سوء برداشت ها و سوء استفاده ها دشوارتر و رجوع به آن ها حساب شده و مطمئن تر خواهد شد.

علاوه بر این، ترجمه و معانی بسیاری از فرمایشات معصومین نیازمند دقت بیشتر است. تفاوت ترجمه های مختلف از برخی متون که هر کدام منظوری

متفاوت را از کلام معصوم ارائه می‌کند، نشان دهنده اهمیت ترجمه و توضیح روایات و حتی آیات قرآن (با وجود ترجمه‌ها و تفاسیر بسیار) است. البته درباره روایات، امکان نقل به معنا شدن روایات توسط روات، آزادی بیشتری به مترجم و شارح حدیث می‌دهد تا براساس مجموع روایات در آن موضوع و مذاق شارع، برداشت نکرد را ارائه کند.

انیا: سبب معنوی ذکر شده در آیات و روایات در حقیقت اشاره وثیقی به نقش مسائل روانی و روانی دارند که معمولاً از حوزه بررسی‌های اقتصادی خارجند اما بسیار در آن تأثیر می‌گذارد. در بسیاری از موارد تا مشکلات روانی افراد حل و فصل نشوند و شخص در سامان شخصیتی نرسد قادر نخواهد بود در تدبیر معیشتش موفق عمل کند. به عبارت دیگر بسیاری از توصیه‌های صرفاً اقتصادی که ما در بخش اسباب مادی آوردیم، برای انسان سالم و متعادل است و در غیر آن ممکن است نتیجه، منفی یا حتی مخوس باشد. براین اساس، لازم است علاوه بر اسباب معنوی مذکور که در سامان برای افراد مؤثر است، سایر توصیه‌های اسلامی برای سلامت روانی نیز به عنوان بخشی از پیش‌نیازهای تدبیر معیشت مورد بررسی قرار گیرند.

یکی از مهم‌ترین نقص‌هایی که در راستای تبیین ابعاد تدبیر معیشت رخ می‌نماید عبارت است از روشن نبودن رابطه اسباب مادی و معنوی و سبب و تأخر یا زیربنا و روبنایی بودن یا درجه اهمیت هریک. اگرچه در آیات و روایات اهمیت زیادی به اسباب معنوی داده شده است اما هنوز رابطه‌ی آن با اسباب مادی به بحث علمی گذاشته نشده است و نظریه‌ای برای توضیح آن وجود ندارد.

اگرچه می‌توان به طور اجمال، اسباب معنوی را مقدم بر اسباب مادی فرض

کرد و به طور کلی از تأثیر عوامل معنوی بر امکان بهتر اسباب مادی، سخن گفت. اما تحلیل این فرض مجمل، خود نیازمند پژوهش‌های متعدد برای فهم رابطه اسباب معنوی و اسباب مادی است به گونه‌ای که در ذیل یک نظام کلی بتوان جایگاه و نقش همه جزئیات و نسبت بین آنها را تعریف و براساس آن عمل کرد.

ثالثاً: بررسی کامل تدبیر معیشت از دیدگاه اسلام نیازمند پژوهشی مرتبط با سایر علوم مثل اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و مدیریت است تا همه جوانب آن به درستی دیده شوند. به این منظور لازم است با بررسی مسائل تدبیر معیشت از دیدگاه هریک از این علوم و توسط دانشمندان و متخصصین هر یک، مسائل مربوطه استخراج و مورد تحلیل فنی قرار گیرند.

علاوه بر این، درباره بخشی از روایات و توصیه‌هایی که به هر دلیل قابل طرح نیستند باید به دنبال استنتاج تلامدی بود که براساس مقصود اصلی گوینده، بتواند در شرایطی غیر از شرایط استنادی روایت نیز قابل استفاده باشد و با پیشرفت‌های علمی دچار خدشه نشود.

درباره این کتاب

ساختار ارائه شده در این کتاب، ابداعی است که براساس محتوای آیات و روایات شکل گرفته است و سعی شده حداکثر موارد مذکور در متون دینی را پوشش دهد بی‌آنکه عنوانی را بر آیات و روایات تحمیل کند. به همین جهت می‌تواند الگوی مناسبی برای پژوهش‌های بعدی و کامل‌تر در این زمینه باشد. ضمن آنکه استفاده از آیات و روایات، اغلب اوقات به کار گرفته شده‌اند تا قاعده‌ای کلی را به دست دهند که قابل صدق بر موارد متعدد ذکر نشده و

خصوصاً مصادیق آن در عصر حاضر، باشند.

براین اساس، ابتدا به جایگاه مهم معیشت در نگاه معصومین علیهم السلام و لزوم بهبود آن اشاره شده است و پس از آن به مبانی معرفتی تدبیر معیشت اسلامی و سپس اسباب مادی و معنوی دخیل در آن. در نهایت، آسیب‌هایی که در مسیر تدبیر معیشت یک مسلمان وجود دارد مرور می‌شوند. لازم است از همسر که این اثر مرهون همراهی و بردباری ایشان است، قدردانی کنم.

محمد حسین شیخ شعاعی

۱۳۹۵/۶/۱